

بررسی خلاقیت معلمین ابتدایی (مطالعه موردي : شهرستان دهگلان)

شايسنه احمدی^۱، فاطمه غيرتیان^۲

^۱ دانشجوی دکتراي روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنتندج

^۲ دانشجوی دکتراي روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنتندج

نويسنده مسئول:

شايسنه احمدی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان خلاقیت معلمان ابتدایی شهرستان دهگلان بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمام معلمان پایه های اول تا ششم هستند که تعداد نفرات آن ها ۳۱۲ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری مورگان ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بین جامعه‌ی آماری انتخاب شده است. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه استاندارد پرسشنامه‌ی خلاقیت عابدی (پایابی ۰/۹۵) می باشد.

كلمات کلیدی: خلاقیت، معلمین ابتدایی، دهگلان.

مقدمه

دنبایی که ما در آن زندگی می کنیم به سرعت در حال تغییر است و در این زمان، تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می سازد. در حل خلاق مسئله، انسان تمام توانایی مغزی خود را به کار می گیرد (لامزدین^۱ و لامزدین^۲، ۱۳۸۶/۲۰۰۷). اکنون در آغاز هزاره ی سوم به جرأت می توان گفت خلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی ابتدایی انسان نخستین جدا می کند. خلاقیت همواره مفهومی پیچیده بوده است و نظریه ها و تعاریف گوناگونی که تاکنون درباره ی آن ارائه شده است.

خلاقیت در گذشته، پدیده ای مترادف با نبوغ تلقی می شد. در اوایل قرن ۱۹ و در اوایل قرن ۲۰ به منبع جدید خلاقیت توجه شد. در این دوران، این تفکر که نبوغ یا توانایی غیرمعمولی در یک فرد از یک روح بیرونی ناشی می شود، رنگ باخت. نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مطالعه شود. رهبری این جریان علمی را گیلفورد در سال های (۱۹۵۹-۱۹۶۷) بر عهده داشت (سام خانیان، ۱۳۸۷).

دانشمندان خلاقیت را با تعابیر متعدد و گوناگونی تعریف کرده اند؛ به گونه ای که گاهی هر تعریف فقط بیانگر یک بعد از ابعاد مهم فرآیند خلاقیت است؛ برای مثال هربرت فوکس، بر این باور است که "فرآیند خلاقیت عبارت است از هر نوع فرآیند تفکری که مسئله ها را به گونه مفید و بدیع حل کند؛ هم چنین به باور جرج سیدل، توانایی ربط دادن و وصل کردن موضوع ها، صرف نظر از این که در چه حوزه یا زمینه ای انجام گیرد، از مبانی بهره گیری خلاق ذهن است. اریک فروم نیز بر این باور است که خلاقیت، توانایی دیدن (آگاه شدن) و پاسخ دادن است؛ به این ترتیب می توان گفت که روی هم رفته، خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهومی نوین (ابراهیمی، ۱۴۰۰). گاردنر^۳ معتقد است که خلاقیت توانایی حل مسائل یا تولید به طور منظم، به شکلی بدیع و در ضمن قابل قبول برای جامعه است(گاردنر، ۱۹۹۳). مدنیک^۴ خلاقیت را شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه می داند که با الزامات خاصی مطابق بوده یا به شکلی مفید است. هر چه عناصر ترکیب جدید غیر مشابه تر باشند، فرایند حل کردن، خلاق تر خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۱).

در قرآن نیز از آفرینندگی گاهی بر معنی تسخیر تعبیر شده است و «تسخر لكم ما فی السموات فی الارض جمیعاً» (سوره جائیه- آیه ۱۳) یعنی خداوند بر پدیده های طبیعی آچنان نیروی بخشید که انسان می تواند با قدرت تسلط و حاکمیتی که دارد در آن تصرف نموده و هر گونه دگرگونی و سازندگی در آن بوجود آورد.

در بسیاری از کشورها، برنامه ی آموزش ابتدایی، محور تحول اساسی در امر آموزش است. با اهمیت دادن به ابعادی چون نگرش ها، ارزش ها و امنیت در مدرسه می توان در روند رشد خلاقیت تأثیر گذاشت. ایجاد کردن فضای امن برای کودکان در محیط های آموزشی و هم چنین درک توانایی ها و استعدادهای آنان از طریق به کار بردن روش هایی مانند تحقیق، پژوهش و پژوهه هایی که استقلال یادگیری را در آنان تشویق می کند، می تواند محركی برای توانایی خلاق کودکان باشد(عبدی، ۱۳۷۲).

شالوده و زیرینای فعالیت های مدرسه از مقطع ابتدایی و حتی پیش دبستانی آغاز می گردد به همین جهت برنامه ی درسی مدارس ابتدایی باید بر مبنای کارکردها و هدف هایی که متناسب با دنیای جدیدی که شتابان در حال تغییر است، تدوین شود. از این رو برای تدوین برنامه ی درسی مناسب باید علاوه بر هدف های برنامه ی درسی سنتی، هدف های جدیدی نیز به عنوان ملاک هایی در نظر گرفته شود. از آن جا که کودکان توانایی خلاقیت دارند و خلاقیت آنان از اشتیاق وافر و واقعی به ابراز شادی سرچشم می گیرد، آموزش خلاقیت، افکار و احساس شخصی آنان را توسعه می دهد. از این رو، آموزش خلاقیت باید بخشی از آموزش و پرورش دوره ی ابتدایی باشد که موجب می شود عکس العمل های فردی کودکان، دارای ارزش باشد. آموزش خلاقیت، کودک را به تفکر درباره ی ایده های خود وا می دارد و سبب می شود کودک این ایده ها را برای خود تفسیر کند و به آن ها معنا بدهد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس وی درباره ی توانایی هایش و تجربه ی افکار و ارتقاء بهداشت روانی وی می گردد (تقی پور، ۱۳۸۷).

بررسی نحوه ارتباط آموزشی معلمان خلاق نشان داده که آنها معمولاً از روشهای زیر استفاده می کنند:

۱- استفاده از حواس مختلف، توجه به حواس مختلف و استفاده صحیح و بجا از آنها در فرایند یادگیری

مطالعات (بودو، ۱۳۵۸؛ شهرآرای، ۱۳۷۰) نشان داده است که این افراد از امکانات سمعی - بصری، کامپیوترا، کاتال های ارتباطی و دیگر وسایل کمک آموزشی بیشتر بهره می گیرند.

¹-Lamezdin&lamezdin

²- Gardner

³- Mednick

۲- استفاده از تجربه‌های مستقیم

(نقش پرورش دهنده‌گان خلاقیت در فراهم آوردن زمینه برای دستکاری اشیاء و تجربه و آزمایش، تشویق جهت پیدا کردن راههای جدید، تغییر فرآگیران به حدس زدن جهت ابداع و نوآوری)

۳- استفاده از روش بحث و گفتگوی آزاد و متقابل

بکارگیری سخنان خود جوش و گفتگوی آزاد و متقابل و غیر قالبی (بودو، ۱۳۵۸، نمر ۱۳۶۹)، تشویق فرآگیران به ارائه نظرات و انتقادات خود و فراهم آوردن شرایط مناسب برای داد و ستد اجتماعی و ذهنی، پاسخ غیر مستقیم به سوالات کنجدکاوانه آن‌ها.

۴- استفاده از روش فعال در تدریس

تفویض قوه خلاقیت از طریق فعالیتهای خودبخودی با تکیه بر تجربیات عینی و امکانات فرآگیر، رشد و توسعه آزادی عمل و استقلال فرآگیر، عدم تکیه بر حافظه شناختی و تاکید بر درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و حل مسئله در آموزشی. (روش اکتشافی)

۵- استفاده از روش بارش مغزی یا کنکاش مغزی

استفاده از روش‌های گوناگون جهت حل مساله، دادن فرصت لازم جهت تفکر عمیق و طرح نظر خودبطور آزادانه، نقش راهنمای داشتن معلم و شرکت فعالانه فرآگیران در جریان یادگیری.

۶- استفاده تلفیقی از تفکر واگرا و همگرا

ایجاد موازنی منطقی بین این دو شیوه تفکر و استفاده از آنها در کنار هم. دادن فرصت به فرآگیران در جهت کسب اصول و دانش و اطلاعات در رشته‌های گوناگون به صورت فردی یا گروهی و فراهم ساختن زمینه مساعد برای تفکر واگرا.

۷- توجه به تفاوت‌های فردی

دارا بودن شناخت از تفاوت‌های فردی فرآگیران، تطبیق محتوا و روش‌های آموزشی و پرورش خلاقیت را دارند. بنابراین خلاقیت توانایی ذاتی نیست، بلکه رویکردی روش شناسانه است که بیشتر افراد می‌توانند آن را بیاموزند. بطور خلاصه می‌توان به اصول زیر بنایی افزایش مهارت خلاقیت به ترتیب زیر اشاره کرد:

۱- نگرش متفاوت معلم به موضوعات درسی.

۲- استفاده از روش‌های مختلف تدریس و راهکاریهای متفاوت.

۳- تغییر در ابزار ارزشیابی و سنجش. (سایت راسخون)

با توجه به تعاریف خلاقیت و دستاوردهای پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مشخص می‌شود که خلاقیت قابلیت آموزش و پرورش دارد و با به کارگیری تکنیک‌های مربوط به آن می‌توان معلمان و به تبع آنان فرآگیران را تحت آموزش و پرورش قرار داد. مربی یا معلمی که می‌خواهد یک کلاس ویژه‌ی پرورش خلاقیت را اداره کند و یا این که علاقمند است در جریان تدریس روزمره‌ی خود به طور جدی پرورش خلاقیت دانش آموزان را هم مدنظر داشته باشد، اگر چنان‌چه از خصوصیات و نگرش‌های ویژه‌ای که با ماهیت و فرآیند خلاقیت مناسب است دارد، برخوردار باشد، مطمئناً در کار خود بسیار موفق تر عمل خواهد کرد. البته یک چنین معلمی حتماً لازم نیست که خودش فردی خلاق باشد، اما اگر چنان‌چه شخص از مهارت‌های اساسی خلاقیت برخوردار باشد و بتواند عمل‌ای آن‌ها استفاده کند، بدون شک در پیش برد و هدایت کلاس و تاثیر گذاری بیش تر و بهتر بر دانش آموزان خود موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد.

روش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش به شیوه توصیفی، همبستگی و انجام شده است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی اساتید معلمین مقطع ابتدائی شهرستان دهگلان می‌باشد که براساس آخرین آمار به دست آمده از اداره‌ی آموزش شهرستان دهگلان، تعداد کل جامعه‌ی آماری ۳۱۲ نفر حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری مورگان، ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین جامعه‌ی آماری انتخاب شده است.

نمونه‌آماری طبق فرمول تصادفی نسبی طبقه‌ای ۱۶۲ نفر می‌باشد. هنگامی که ساختار جامعه‌ی پژوهش ناهمگون بوده و بتوان درون جامعه قشرها، طبقه‌ها، یا گروه‌های گوناگون اما با درصدهای جمعیتی متناوب را مشخص نمود، می‌توان از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مناسب با حجم استفاده نمود. جمعیت هر طبقه را بر جمعیت کل تقسیم نموده تا درصدهای هر طبقه به دست آید و بعد درصدهای فوق را در حجم نمونه ضرب می‌کنیم تا سهمیه‌ی هر طبقه به دست آید. پژوهشگر نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری فوق حجم نمونه‌ی خود را برآورد کرد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که دانشکده‌های کامپیوتر، مهندسی، کشاورزی و

علوم پایه انتخاب گردیدند، بعد از مشخص شدن جامعه آماری هر کدام از دانشکده‌ها حجم نمونه هر طبقه به شرح جدول ذیل مشخص گردید (میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

جدول ۱: حجم جامعه و نمونه اساتید

نمونه	جامعه	
۱۴	۲۵	پایه اول
۱۴	۲۶	پایه دوم
۱۴	۲۶	پایه سوم
۱۴	۲۵	پایه چهارم
۱۴	۲۵	پایه پنجم
۱۴	۲۵	پایه ششم
۷۲	۱۶۰	چندپایه

ابزار اندازه گیری این پژوهش پرسشنامه خلاقیت عابدی می‌باشد.

پرسشنامه خلاقیت عابدی

این آزمون یک آزمون مدادی-کاغذی است. در سال ۱۳۶۲-۶۳ دکتر جمال به تشویق و کمک گروهی از دانشجویان درس روانسنجی گروه روانشناسی دانشگاه تهران بر پایه‌ی تئوری و تعریف تورنس از خلاقیت یک آزمون ۷۵ سوالی برای اندازه گیری خلاقیت ساخت. مواد این آزمون در چهار گروه: سیالی، ابتكار، انعطاف پذیری و بسط قرار گرفت. در سال ۱۹۸۶ دکتر عابدی در دانشگاه کالیفرنیا با کمک یکی از دانشجویان درس آمار و روش تحقیق، این آزمون را از نو طراحی نمود و بارها مورد تجدید نظر قرار دادند. فرم بعدی آن در سال ۱۹۹۲ توسط گروه استادان دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس ساخته شد و دارای ۶۰ ماده می‌باشد که تعداد ۱۹ ماده در بخش سیالی، ۲۲ ماده در بخش ابتكار، ۱۱ ماده در بخش انعطاف پذیری و ۱۱ ماده در بخش بسط تقسیم شده است. هر ماده دارای سه گزینه است. این آزمون دارای ۶۰ ماده می‌باشد که تعداد (۲۲ ماده) در بخش ابتكار، (۱۶ ماده) در بخش سیالی، (۱۱ ماده) در بخش انعطاف پذیری و (۱۱ ماده) در بخش بسط تقسیم شده است. هر ماده دارای سه گزینه می‌باشد. گزینه‌ها نشان‌دهنده‌ی میزان خلاقیت از کم به زیاد است که به ترتیب نمره‌ای از ۱ تا ۳ به آن‌ها تعلق می‌گیرد. این نمره‌ها در چهار گروه جمع شده و بدین ترتیب چهار نمره به دست می‌آید و با جمع بندی چهار نمره می‌توان یک نمره کل برای خلاقیت آزمودنی به دست آورد (عبادی، ۱۳۷۲).

اعتبار و پایایی پرسشنامه خلاقیت عابدی

کفایت (۱۳۷۳) در پژوهش خود برای سنجش اعتبار آزمون از سه روش همبستگی با آزمون تورنس، همبستگی با پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان ساخته شده توسط دیران و مقایسه دو گروه خلاق و غیر خلاق استفاده کرده است. در روش اول (همبستگی آزمون تورنس) ضرایب برای کل آزمون (۰/۱۵)، سیالی (۰/۰۸)، ابتكار (۰/۰۰۲) و بسط (۰/۰۶) به دست آمده ضرایب بدست آمده به جز مقیاس انعطاف پذیری و کل آزمون که در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار هستند. لقیه در سطح مورد نظر معنی دار نمی‌باشد. در روش دوم (همبستگی با پرسشنامه خلاقیت دیران) ضرایب کل آزمون (۰/۰۰۳)، مقیاس سیالی (۰/۰۰۸)، انعطاف پذیری (۰/۰۲)، ابتكار (۰/۱۴) و بسط (۰/۰۴) می‌باشد که به جز مقیاس انعطاف پذیری که در سطح ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد، بقیه مقیاس‌ها و کل آزمون در سطح مورد نظر معنی دار نبودند. در روش سوم (مقایسه دو گروه خلاق و غیر خلاق) که بروی گروه ۱۲ نفری از پرسنل گروه ملی صنعت فولاد اجراشد. میانگین افراد خلاق و غیر خلاق با یکدیگر تفاوت معنی داری نشان نداد و در سطح مختلف عامل B (مقیاس‌های فرعی خلاقیت) با نسبت $F=219/78$ و در سطح ۰/۰۰۵ معنی دار بود (دانیمی، ۱۳۷۶؛ نقل از بigham، ۱۳۸۷). برای بررسی پایایی از روش همسانی درونی و آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضرایب برای سنجش سیالی آزمون (۰/۷۵)، ابتكار (۰/۶۷)، ابتكار (۰/۶۱)، انعطاف پذیری (۰/۶۱) و بسط (۰/۶۱) گزارش شده است. از روشهای مولفه‌های اصلی، برای برآورده میزان

هماهنگی مواد در هر بخش استفاده شده است. مواد آزمون در هر چهار بخش همبستگی نسبتاً بالایی (بین ۰/۸۵ تا ۰/۵۵) با اولین متغیر نهفته دارد (عابدی، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

جدول ۲: فراوانی آزمودنی‌ها براساس جنس

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	
۶۳.۰	۶۳.۰	۱۰۲	مرد
۱۰۰.۰	۳۷.۰	۶۰	زن
	۱۰۰.۰	۱۶۲	جمع

براساس جدول بالا ۱۰۲ نفر م العادل ۶۳.۰ از آزمودنی‌ها مرد و ۶۰ نفر م العادل ۳۷٪ از آزمودنی‌ها زن هستند که نشان دهنده این است که تعداد مردان بیشتر است.

جدول ۳: فراوانی آزمودنی‌ها براساس خلاقیت

فراءانی	درصد	فراءانی	فراءانی	
تجمعی	فراءانی	درصد فراءانی	فراءانی	
5.6	5.6	9	بسیار کم	
43.2	37.7	61	کم	
84.0	40.7	66	متوسط	
98.1	14.2	23	زیاد	
100.0	1.9	3	بسیار زیاد	
	100.0	162	جمع	

براساس جدول و نمودار بالا ۹ نفر م العادل ۵.۶ از آزمودنی‌ها خلاقیت بسیار کم، ۶۱ نفر م العادل ۳۷.۷ از آزمودنی‌ها خلاقیت کم، ۶۶ نفر م العادل ۴۰.۷ از آزمودنی‌ها خلاقیت متوسط، ۲۳ نفر م العادل ۱۴.۲ از آزمودنی‌ها خلاقیت زیاد و ۳ نفر م العادل ۱.۹ خلاقیت بسیار زیاد دارند که نشان دهنده این است که تعداد آزمودنی‌ها ای که خلاقیت متوسط دارند از بقیه گروه‌ها بیشتر است.

جدول ۴: فراوانی آزمودنی‌ها براساس پایه تدریس

فراءانی	درصد	فراءانی	فراءانی	
تجمعی	فراءانی	درصد فراءانی	فراءانی	
9.3	9.3	15	پایه اول	
18.5	9.3	15	پایه دوم	
27.8	9.3	15	پایه سوم	
36.4	8.6	14	پایه چهارم	
46.9	10.5	17	پایه پنجم	
55.6	8.6	14	پایه ششم	
100.0	44.4	72	چندپایه	
	100.0	162	جمع	

براساس جدول و نمودار بالا ۱۵ نفر معادل ۹.۳ از آزمودنی ها پایه اول، ۱۵ نفر معادل ۹.۳ از آزمودنی ها پایه سوم، ۱۴ نفر معادل ۸.۶ از آزمودنی ها پایه چهارم، ۱۷ نفر معادل ۱۰.۵ پایه پنجم، ۱۴ نفر معادل ۸.۶ از آزمودنی ها پایه ششم و ۷۲ نفر معادل ۴۴.۴ در کلاس های چندپایه تدریس دارند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به منظور بررسی میزان خلاقیت معلمین ابتدائی شهرستان دهگلان می باشد. جامعه ای آماری این پژوهش شامل کلیه معلمین مقطع ابتدائی شهرستان دهگلان می باشد که براساس آخرین آمار به دست آمده از اداره آموزش شهرستان دهگلان، تعداد کل جامعه ای آماری ۳۱۲ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری مورگان، ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بین جامعه ای آماری انتخاب شد.

ابزار تحقیق شامل پرسشنامه استاندارد پرسشنامه ای خلاقیت عابدی با (پایایی ۰/۹۵) می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها حاصل در سطح توصیفی به کمک نرم افزار spss انجام گردید و نتایج نشان داده است : تعداد ۶۶ نفر از معلمین از نظر خلاقیت در سطح متوسطی قرار دارند و ۷۲ نفر از معلمین در کلاس های چندپایه بیشترین تعداد شرکت کننده را به خود اختصاص داده اند. یکی از عامل و متغیر هایی که ممکن است در بهره وری نیروی انسانی در کارکنان آموزش و پرورش تاثیر گذار باشد خلاقیت است ، امروزه که شاهد رقابت فشرده سازمان ها برای دست یابی به نوین ترین فناوری و منابع قدرت هستیم، کارکنان خلاق و صاحبان اندیشه نو به مثابه گرانبهاترین سرمایه ای سازمان از جایگاهی رفیع برخوردارند و رویارویی مؤثر با تحولات فراینده محیطی در گرو خلاق بودن است از آن جا که تأمین هدف های سازمان مستلزم در اختیار داشتن نیروهای انسانی توانمند می باشد، این از وظایف نظام های آموزشی است که با ارایه مستمر ایده ها، و برنامه ها روش های نوین آموزش، کارکنان را به گونه ای پرورش دهند که قادر باشند به تنها یی تصمیم بگیرند، راه حل های تازه برای مسایل پیدا کنند و در قبال کار احسان مسئولیت کنند(سادات، ۲۰۰۵).

پژوهش های پاردو (۲۰۰۲) نشان داد معلمان آموزش دیده ، بر عملکرد خلاق ، پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی دانش آموزان تأثیر به سزایی دارند و این تأثیر شامل هر گروه ، دانش آموزان مستعد و غیرمستعد می شود. با توجه به این نتیجه او پیشنهاد می کند که برای معلمان به ویژه کشورهای در حال توسعه اموزش پیوسته و منظمی صورت گیرد.

برای رشد و شکوفایی خلاقیت در مدرسه ها، پیشنهاد می شود محتوای مواد آموزشی و روش های یادگیری مبتنی بر حمایت از خلاقیت دانش آموزان بازنگری شود و سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام آموزشی در برنامه ریزی های خود به پرنگ کردن اهمیت پرورش خلاقیت، در مقابل موقیت تحصیلی صرف، توجه ویژه ای داشته باشند. با وجود آن که رشد و شکوفایی دانش آموزان، مستلزم همکاری همه ای سازمان های وابسته و نظام آموزش و پرورش، معلمان، والدین و خانواده ها است، بی تردید معلمان نوآور و خلاق نیز می توانند بر افزایش خلاقیت دانش آموزان اثرگذار باشند.

اگر به معلمان ساختار مناسبی ارائه شود ، آنان نگرش مناسبی یافته و با آگاهی بیشتر ، عملکرد مناسب تری خواهد یافت و این خود باعث می شود دانش آموزان با انگیزه ای بیشتر و به صورت فعال تر با مسائل آموزشی برخورد کنند. معلمان خلاق با رفتار خود الگوئی خلاق را در برابر شاگردان به نمایش می گذارند، آن ها را تشویق به پرسش نموده و اجازه ای خطر کردن و اشتباه کردن را به آن ها می دهد. اگر ما بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آنان می گردد، برنامه ریزی کند و یکی از مهمترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافضلی با دانش آموز و پرورش استعدادهای مختلف وی دارد، معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین، خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیک های خلاقیتی، قدم به صحنه ای آموزش گذارد، به طور طبیعی دانش آموزانی توانمند، خلاق و دارای اندیشه ای نو برای مواجهه ای خردمندانه بازندگی و حل مسائل دنیای بشری به اجتماع تحويل خواهد داد.

بنابر نتایج این پژوهش می توان پیشنهاد کرد که آموزش و پرورش در فاصله کوتاهی پس از شروع به کار معلمان برای آن ها دوره های ضمن خدمت آموزش تکنیک خلاقیت از جمله روش بارش مغزی، بدیعه پردازی و سایر روش های تدریس فعال را تدارک ببینند، در کنار آموزش برای معلمان، برگزاری جلسات توجیهی برای مدیران جهت ایجاد نگرش خلاقیتی در آنان ضروری است زیرا اگر مدیران خلاق باشند قادری خلاق خواهند داشتند و به تبع آن دانش آموزانی خلاق تربیت خواهند کرد. چون نتایج این تحقیق نشان می دهد که میزان خلاقیت معلمین ابتدائی این شهرستان در سطح پائینی می باشد و باید مسئولان مربوطه دوره های آموزش خلاقیت را در برنامه های خود قرار دهند.

منابع و مراجع

- [۱] پرسشنامه خلاقیت عابدی، آزمون یار بویا ، ۱۳۹۰
- [۲] تقی پورظہیر، علی. (۱۳۸۷). برنامه ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم . تهران : آگاه.
- [۳] حسینی، افضل السادات (۱۳۸۱). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. چاپ دوم. مشهد: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۴] سام خانیان، محمدربیع. (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی(مفاهیم، نظریه ها، تکنیک و سنجش). تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- [۵] عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن. پژوهش های روان شناختی، دوره ای ۲، شماره ۱ او ۲.
- [۶] لامزدین، ادوارد و لامزدین ، مونیکا. حل مسئله. ترجمه ای اریاب شیرازی، بهروز و نصرآزادانی، بهروز (۱۳۸۶). تهران : ارکان دانش.
- [۷] میرزایی، خلیل. (۱۳۹۰). پژوهش و پژوهش گری و پژوهش نامه نویسی. (چاپ دوم). تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- [۸] Costelloe, T.M. (2008). *Hume's phenomenology of the imagination*.The Journal of Scottish Philosophy, 5(1), 31-25. Retrieved May 20, 2008, from Academic Search Complete database.
- [۹] Ebrahimi Moghadam, H., Zeinolabedin, F. (2014). Check dimensions of creativity (fluency, flexibility, originality, elaboration on the details of academic achievement), First National Conference on Psychology(in Persian).
- [۱۰] Gardner, H. (1993). *Creating Minds: An Anatomy of Creativity seen Through The Lives of Freud, Einstein,Picasso,Stravinsky, Eliot ,Graham and Ghandi*. New York: Harper Collins.
- [۱۱] Saadat, E. & Sadaghi, M. (2005). Designing a Model for the planning of creativity in research institutions of the country, the monthly Journal, Issue 14.(in Persian).
- [۱۲] <http://rasekhoon.net>.